

# درس تاریخ کلاسی به وسعت جامعه می خواهد

مشاهیر در جریان است، تاریخ و درس تاریخ از نوع دیگری خواهد بود. اما دانش آموزی که در سراسر دوران تحصیل شاهد یک اقدام تاریخی در محیط آموزشی یا مکان‌های عمومی نیست - یعنی از کسی، یادی نمی‌گردد و خاطره‌ای مرور نمی‌شود، عکسی به قصد ثبت و ضبط تاریخی در مدرسه گرفته نمی‌شود، اهمیتی ندارد که مدیر قبلی که بوده، پیش از این، محل مدرسه چه بوده، و چه وقایعی در محیط پیرامون آن رخ داده است - چگونه ممکن است که تاریخ را با خود قرین ببیند، با آن انس بگیرد و آن را حس و تجربه کند؟ در هیچ جای دنیا، آموزش تاریخ فقط به کتاب و کلاس تاریخ تنها منحصر نیست. خیل عظیم دانش‌آموزان در موزه‌های شهرها، و از جمله موزه‌های بزرگ جهان، هیچ‌گاه پایان نمی‌گیرد. گردش در درون شهر و مشاهده‌ی آثار تاریخی، باستانی و فرهنگی، جزو برنامه‌های دائمی مدرسه‌هاست. مجموعه‌ی این اقدامات است که درس تاریخ را با نشاط، مفید و مؤثر می‌سازد.

رفتار ما با درس و کتاب تاریخ بسیار نامناسب است و این در حالی است که از آن انتظاری بیش از حد داریم. در یک نظام آموزشی که غم ادامه‌ی تحصیل و شغل و کنکور بر همه‌ی امور سایه انداخته است، درسی مانند تاریخ که اساساً هدفی فرهنگی، تربیتی و ملی را تعقیب می‌کند و در همان حال نیز، هیچ‌اقدام جدی برای توسعه و ترقی فنون آموزش آن صورت نمی‌گیرد، چگونه می‌تواند وظیفه‌ی اصلی خود را انجام دهد؟ این فقط مشکل درس تاریخ نیست. از درس‌های ادبیات، جغرافیا و علوم اجتماعی نیز تلقی‌های کهنه وجود دارد و باور چنان است که فقط محصور و محدود در کتاب و کلاس هستند. حال آن‌که همه‌ی این درس‌ها باید حصار کلاس و کتاب را پشت سر بگذارند و وارد متن زندگی شوند؛ به گونه‌ای که هر انسانی بتواند در تجربه‌ی زندگی خویش آن‌ها را بیابد، ببیند و به کار ببندد. علمی که بریده از واقعیت و متن واقعی خویش (جامعه، فرهنگ و زندگی) است، امکان رشد و بالندگی نخواهد داشت. درس تاریخ را نیز باید در پیوند با زندگی، جامعه و فرهنگ دید.

یکی از اساسی‌ترین مشکلات درس تاریخ، نگاه کهنه‌بدان است. این نگاه کهنه‌نیز از جانب اهل تاریخ نیست، بلکه از جانب کسانی است که شناختی از تاریخ ندارند؛ به یک معنی، کسانی که تاریخ نخوانده‌اند. در نتیجه، تصور آن‌ها از درس تاریخ، فقط کتابی و کلاسی و معلمی است، و امتحانی و ورقه‌ای و مستی نام و عدد سنوات و امثال آن.

دانش‌آموختگان تاریخ نیک می‌دانند که تاریخ عرصه‌ی نوآوری است و جریان پیش‌برنده‌ی تاریخ، نوآوری، اختراعات و ابتکارات است.

کسانی که کهنه و ناپسند به تاریخ می‌نگرند، اساساً دچار این مشکل هستند که نمی‌توانند «موجودیت تاریخی» جامعه، فرهنگ، تربیت، قوانین، نظامات اجتماعی و... را درک کنند. پس چنین باور دارند که تاریخ امری مرده، تمام شده، فقط لابه‌لای کتاب‌ها و جزوه‌ها است؛ حال آن‌که این واقعیت امر نیست.

در نتیجه‌ی این تلقی است که هیچ تلاش واقعی برای تحول درس تاریخ و بهره‌بردن از آن، در نظام آموزشی و توسط مسؤولان و مدیران آموزش و پرورش صورت نمی‌گیرد. زیرا «متن تاریخی»، فقط کتاب یا نوشته‌ای نیست که باید آن را خواند، بلکه کتاب واقعی تاریخ، عرصه‌ی زندگی جامعه و فضایی است که در آن به سر می‌بریم. در واقع، درک تاریخ همان تجربه کردن تاریخ و حس کردن آن است. از این رو است که در میان ملل متمدن جهان شاهد هستیم که در شهرها، بافت‌های تاریخی و بناها و عمارت‌های هنری را حفظ می‌کنند و در تزیین مکان‌های عمومی، از نمادهای تاریخی بهره می‌گیرند. هر مدرسه در هر سال یک آلبوم عکس یادبود تهیه می‌کند و گرفتن عکس سالانه، از برنامه‌های همیشگی مدرسه‌هاست. به علاوه، انواعی از عکس‌های اسناد و مثال اشیای تاریخی، در هر مؤسسه و مدرسه‌ای در معرض دید قرار می‌گیرد.

برای انسانی که در محیط پیرامون خویش تاریخ را می‌بیند و در همان حال شاهد است که انواع مناسب‌های تاریخی و بزرگداشت